

# تشریح تحقیق: چگونه پیام خود را به مخاطبان اصلی برسانیم و پژوهش خود را بهبود بخشیم

■ دکتر یزدان منصوریان

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران<sup>۱</sup>

است که برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و نوشتاری محققان نوشته شده است. این قبیل کتاب‌ها بر اهمیت «ترویج علم» تأکید دارند و اهمیت آن را به جامعه علمی یادآور می‌شوند. ترویج علم به معنای کاستن فاصله زبانی و شناختی میان دنیای دانشمندان و عموم مردم است. کسانی که در این عرصه تحقیق می‌کنند تلاش دارند به نحوی این فاصله را کم و کمتر کنند تا گروه بیشتری از مردم بتوانند از یافته‌های علمی بهره‌مند شوند. با این حال معمولاً ساده‌سازی زبان علم کار ساده‌ای نیست؛ چرا که مخاطب یک بحث علمی باید حداقل تا حدودی با پیشینه موضوع آشنا باشد و اصطلاحات تخصصی را بشناسد. اگر این مقدمات فراهم نشود گذر از شکاف اطلاعاتی میان متخصصان با عموم مردم دشوار خواهد بود. اما آیا یک پژوهشگر به صرف اینکه فرصتی برای آموزش مبانی رشته تحصیلی خود به عموم مردم را ندارد، باید حوزه ارتباط علمی خویش را به گروه محدودی از هم‌ترازان خویش محدود کند؟ آیا خواننده مطالب علمی هر حوزه الزاماً باید متخصص همان رشته باشد؟ دنیس مِردیت معتقد است که می‌توان از این موانع عبور کرد و یافته‌های علمی را در سطحی گسترده‌تر اشاعه داد.



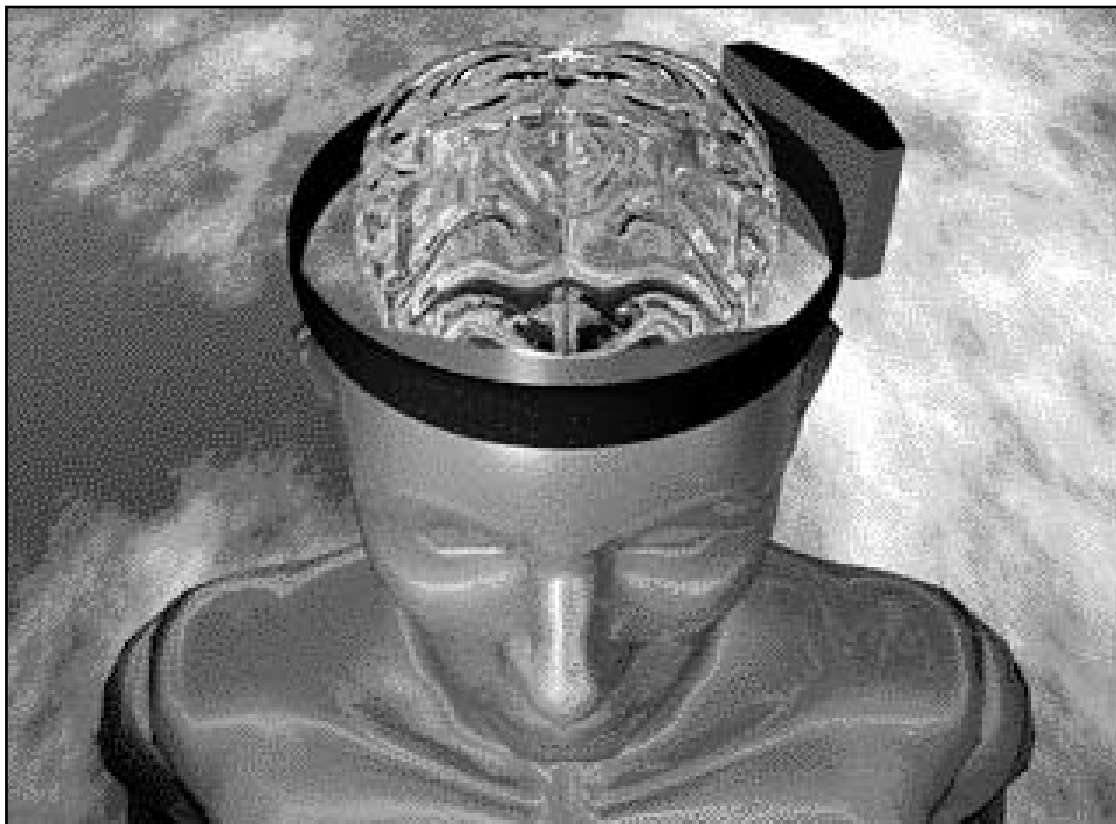
■ Meredith, Dennis, *Explaining Research: How to Reach Key Audiences to Advance Your Work*. Oxford University Press, 2010, xiv, 357 p. ISBN: 978-0-19-973205-0.

## معرفی نویسنده

دنیس مِردیت مدرک کارشناسی شیمی خود را در سال ۱۹۶۸ از دانشگاه تگزاس گرفت و در سال ۱۹۷۰ با اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته «بیوشیمی و نشر علمی»<sup>۲</sup> از دانشگاه ویسکانسین<sup>۴</sup> فارغ‌التحصیل شد. اکنون پس از ۴۰ سال، وی در کارنامه شغلی خود به‌عنوان «خبرنگار علمی»<sup>۵</sup> بیش از هزار گزارش و مقاله دارد. حوزه فعالیت او «ترویج و نشر علوم» است و طی چهار دهه گذشته با مؤسسات پژوهشی و دانشگاه‌های معروفی مثل ام‌آی‌تی،<sup>۶</sup> کرنل،<sup>۷</sup> و ویسکانسین در این زمینه همکاری کرده است. علاوه بر این او مدتی ریاست هیئت مدیره «انجمن ملی نویسندگان علمی آمریکا»<sup>۸</sup> را بر عهده داشته و سال‌ها جزء داوران جوایز این مؤسسه برای مروجان علم بوده است. کتاب «تشریح تحقیق: چگونه پیام خود را به مخاطبان اصلی برسانیم و پژوهش خود را بهبود بخشیم» یکی از جدیدترین آثار این نویسنده است که در اینجا مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

## مقدمه

آیا همه محققانی که سال‌ها در زمینه‌های موضوعی گوناگون به مطالعه و پژوهش مشغولند، می‌توانند یافته‌های علمی خود را به نحو مؤثری در اختیار جامعه قرار دهند؟ آیا مجله‌های تخصصی و کتاب‌های دانشگاهی تنها جایگاه انعکاس یافته‌های علمی هستند؟ آیا محدودیت تیراژ منابع تخصصی از یک سو، و زبان دشوار علمی از سوی دیگر مانعی برای نشر علم در سطوح مختلف جامعه نیست؟ آیا تا کنون محققان رشته‌های مختلف به یک اندازه در نشر دستاوردهای حوزه خود موفق بوده‌اند؟ اینها همه از جمله پرسش‌هایی هستند که دنیس مِردیت،<sup>۲</sup> در کتاب «تشریح تحقیق: چگونه پیام خود را به مخاطبان اصلی برسانیم و پژوهش خود را بهبود بخشیم» به آنها پاسخ داده است. کتاب حاضر جزء آثاری



#### معرفی کتاب

کتاب حاضر از نمونه‌های آثاری است که در حوزه «نگارش و خبرنگاری علمی»<sup>۹</sup> منتشر می‌شوند. نگارش علمی، حوزه تحقیقاتی مستقلی است که نه تنها به‌عنوان یک رشته دانشگاهی تدریس می‌شود بلکه مؤسسات پژوهشی متعددی در این زمینه فعالیت می‌کنند؛ مثل «فدراسیون جهانی خبرنگاران علمی»<sup>۱۰</sup> «اتحادیه انجمن‌های خبرنگاران علمی اروپا»<sup>۱۱</sup> «شورای گسترش نشر علمی»<sup>۱۲</sup> و «انجمن نویسندگان علمی انگلستان»<sup>۱۳</sup>.

کتاب حاضر از چهار بخش اصلی و ۲۷ فصل تشکیل شده است. این بخش‌ها عبارتند از: یادگیری شیوه‌های جدید ارتباطی، ارتباط مؤثر با هم‌تایان و هم‌ترازان، ارتباط با مخاطب غیرمتخصص، و سرانجام تشریح یافته‌های پژوهشی در رسانه‌های ارتباطی جمعی. بخش نخست کتاب شامل دو فصل است. یکی «مخاطبان خود را بشناسید»، و دیگری «استراتژی ارتباطی خود را در پژوهش طراحی کنید». همان‌طور که این عناوین نشان می‌دهد در این فصول نویسنده بر اهمیت شناخت مخاطبان و تدوین راهکارهای مناسب برای ارتباط با آنها تأکید می‌کند. بخش دوم از پنج فصل تشکیل شده است که عناوین آنها عبارتند از: سخنرانی‌های اقتاع‌کننده ارائه کنید؛ از ابزارهای دیداری و شنیداری برای ارائه دانش خود بهره بگیرید؛ پوستره‌های مناسب برای ارائه تدوین کنید؛ توضیحات روشنی در خصوص تحقیق خود به‌رشته تحریر درآورید؛ و سرانجام وبگاه‌های پربار طراحی کنید. این پنج فصل را نویسنده

**نگارش علمی، حوزه تحقیقاتی مستقلی  
است که نه تنها به‌عنوان یک رشته  
دانشگاهی تدریس می‌شود بلکه  
مؤسسات پژوهشی متعددی در این  
زمینه فعالیت می‌کنند**

به ارائه راهکارهای مفید برای بهبود ارتباط میان پژوهشگران اختصاص داده است.

بخش سوم تحت عنوان «ارتباط با مخاطب غیرمتخصص» ۱۲ فصل و ۱۳۲ صفحه از متن اصلی را در برمی‌گیرد و به این ترتیب بزرگ‌ترین بخش کتاب محسوب می‌شود. فقط مروری بر عناوین این فصول گویای محتوای آنها خواهد بود: استراتژی ارتباطات خود را بهبود بخشید؛ ضروریات اشاعه اخبار پژوهشی را بشناسید؛ اخباری تدوین کنید که داستان پژوهش شما را روایت کند؛ یافته‌های پژوهشی را به مخاطبان اصلی برسانید؛ از ابزارهای تصویری و ترسیمی کمک بگیرید؛ فیلم‌های علمی آموزنده بسازید؛ سمینارهای چندرسانه‌ای ترتیب دهید؛ از ابزارهایی نظیر خبرنامه‌های الکترونیکی؛ ویکی؛ وبلاگ؛ پادکست؛ شبکه‌های اجتماعی و وبینار



**در این اثر مردیت به‌خوبی نشان  
می‌دهد که محققان رشته‌های  
مختلف علمی هر یک به‌نحوی با  
اقتشار مختلف اجتماع در ارتباطند  
و موفقیت آنان در گرو برقراری  
ارتباط مؤثر است**

کاری وی در ارتباط هستند؛ مدیران مؤسسه‌ای که در آن مشغول به‌کارند؛ مدیران مراکز پژوهشی که درباره اختصاص بودجه‌های تحقیقاتی تصمیم می‌گیرند؛ مدیران و صاحبان صنایع؛ شرکای تجاری که سفارش‌های پژوهشی دارند؛ دانشجویان مقاطع مختلف؛ خبرنگاران رسانه‌های ارتباط جمعی؛ دوستان؛ آشنایان و سرانجام عموم مردم. بر این اساس نویسنده اثر حاضر با ارائه راهکارهایی تلاش می‌کند چگونگی گسترش دامنه تأثیر یافته‌های علمی را افزایش دهد. وی معتقد است هر پژوهشگر موفق علاوه بر آشنایی با اصول و مبانی تحقیق باید بتواند با ارائه سخنرانی‌های قانع‌کننده، ایجاد وبگاه‌های حرفه‌ای، تدوین پوستر، تهیه عکس، شرکت در مصاحبه‌ها و نشست‌های علمی، و نگارش مقاله‌های ترویجی در رسانه‌های ارتباط جمعی دامنه ارتباطات خود را گسترش بخشد و یافته‌های علمی را ترویج کند.

**امتیازها و کاستی‌های کتاب**

از منظر ارتباط‌شناسی، تعامل میان محققان و ارتباط آنان با عموم مردم دو وجه اصلی این اثر را به خود اختصاص داده است. در سراسر کتاب نویسنده تلاش کرده ضمن تبیین اهمیت ارتباطات علمی راهکارهایی عملی برای گذر از موانع ارتباط را نشان دهد و شیوه‌های تدوین مؤثر «پیام» را در هر رسانه تبیین کند. البته محتوای این اثر فراتر از یک دست‌نامه آموزشی برای فن نگارش است چرا که پنجره‌ای تازه به روی محققان می‌گشاید و اهمیت ارتباطات علمی در همه سطوح را یادآوری می‌کند.

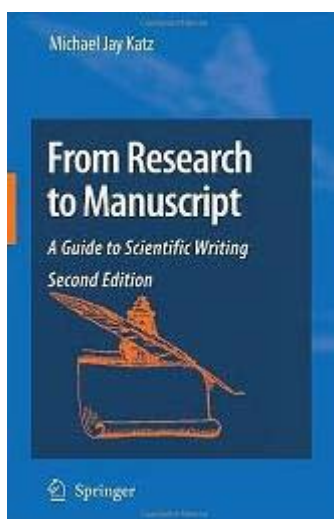
از دیگر امتیازهای این اثر می‌توان به نثر منسجم، سلیس و روان آن اشاره کرد. به‌نحوی که خواننده در مطالعه متن با کمترین دست‌انداز و دشواری روبرو می‌شود. همچنین رویکرد کاربردی آن به‌خوبی در سراسر کتاب منعکس شده است. ضمناً برای این اثر یک وبگاه اختصاصی طراحی شده است که اطلاعات تکمیلی در مورد کتاب در آن یافت می‌شود.<sup>۱۵</sup> در واقع این وبگاه ابتکار خوبی بوده که تعامل بیشتری بین پدیدآور اثر و خوانندگان برقرار سازد که خود نمونه خوبی از رسانه‌هایی است که این کتاب سعی در

(سمینار غیرحضورى از طریق محیط وب)<sup>۱۴</sup> استفاده کنید؛ مقالات ترویجی در رسانه‌های ارتباط جمعی بنویسید؛ کتاب‌های آموزنده و پرتفردار تألیف کنید؛ به عموم مردم آموزش دهید؛ و سرانجام مدیران و مسئولان اداری را به کمک در راه ترویج علم ترغیب کنید.

بخش چهارم تحت عنوان «تشریح یافته‌های پژوهشی در رسانه‌های ارتباط جمعی» نیز با دربرگرفتن هشت فصل و ۸۶ صفحه از کتاب، سهم عمده‌ای از محتوای اثر را به‌خود اختصاص می‌دهد. عناوین این فصول عبارتند از: نقاط قوت و ضعف اشاعه یافته‌های علمی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی را بشناسید؛ از ویژگی‌های خاص خبرنگاران آگاه باشید؛ به درخواست‌های خبرنگاران توجه کنید؛ برای شرکت در مصاحبه‌ها آماده باشید؛ از مصاحبه‌ها برای اشاعه دانش استفاده کنید؛ از موانع ارتباطی عبور کنید؛ مهارت‌های مدیریت نشست‌های علمی را بیاموزید؛ و سرانجام تصمیم بگیرید که آیا شما می‌خواهید یک پژوهشگر مروج علم باشید؟

در این اثر مردیت به‌خوبی نشان می‌دهد که محققان رشته‌های مختلف علمی هر یک به‌نحوی با اقتشار مختلف اجتماع در ارتباطند و موفقیت آنان در گرو برقراری ارتباط مؤثر است. به سخنی دیگر هیچ محققى نمی‌تواند به‌تنهایی مسیر پیشرفت علمی را طی کند و در این فرآیند همواره باید آماده تعامل و همکاری با افراد مختلف باشد. مهم‌ترین گروه‌هایی که مردیت در کتاب خود به آنها اشاره می‌کند عبارتند از: همکاران پژوهشگر در همان حوزه تحقیقاتی؛ پژوهشگران سایر حوزه‌های علمی که به‌نحوی با زمینه

## از تحقیق تا تألیف: راهنمای نگارش علمی (ویرایش دوم)



■ **Katz, Michael Jay, From Research to Manuscript: A Guide to Scientific Writing, Second Edition, Springer, 2009, xiv, 205 p. ISBN: 978-1-4020-9466-8.**

### مقدمه

مجله‌های علمی و پژوهشی از مهم‌ترین رسانه‌های نشر دانش جدید هستند. معمولاً تازه‌ترین یافته‌های دنیای علم ابتدا در این مجله‌ها منعکس می‌شوند، سپس مورد نقد و بررسی جامعه علمی قرار می‌گیرند و در نهایت بخشی از آنها به کتاب‌های درسی و منابع مرجع راه می‌یابند. بر این اساس مجله‌های علمی همچون حلقه‌ای میان دنیای تحقیق و تألیف عمل می‌کنند. انتشار مقاله در این مجله‌ها تابع اصول و قواعد مشخصی است که رعایت آنها برای پذیرش آثار ارسالی الزامی است. به سخنی دیگر این مقاله‌ها باید با رعایت تدابیر و ملاحظات خاصی نوشته شوند و پس از گذر از فیلتر داوری در اختیار خوانندگان قرار گیرند؛ چرا که جامعه نسبت به درستی اطلاعات ارائه‌شده در آنها اطمینان بیشتری نسبت به آثار غیرعلمی دارد و نباید تحت هیچ شرایطی علمی این اطمینان خدشه‌دار شود. به‌ویژه در برخی حوزه‌ها مثل

معرفی آنها دارد. ضمن آنکه نویسنده و ناشر می‌توانند پیوسته‌ها و مثال‌های تازه‌ای در وبگاه قرار دهند و از این طریق بر غنای مطالب ارائه شده بیافزایند.

از کاستی‌های این اثر می‌توان به حجم زیاد آن اشاره کرد. در دنیای پرشتاب امروز کتابی در این زمینه با ۳۵۷ صفحه کمی طولانی به نظر می‌رسد. به‌ویژه آنکه هم‌پوشانی مطالب برخی فصول نشان می‌دهد که نویسنده می‌توانسته در موارد متعددی به راحتی از حجم کتاب بکاهد؛ مثلاً هم‌پوشانی قابل توجهی بین مطالب فصول نهم تا یازدهم و همچنین بین مطالب فصل‌های ۲۱ تا ۲۵ دیده می‌شود. گویا نثر روان کتاب هم‌پوشانی برخی از بخش‌ها را از نظر نویسنده یا ویراستار پنهان کرده و در نهایت متن اثر از آنچه که لازم بوده طولانی‌تر شده است.

در مجموع کتاب حاضر به‌خوبی توانسته اهدافی را که نویسنده در مقدمه به آنها اشاره کرده است محقق سازد. این اثر نمونه موفق‌ی از آثاری است که اهمیت ارتباطات علمی و ترویج علم را در توسعه علمی نشان می‌دهد و راهکارهای عملی مفیدی در این زمینه ارائه می‌دهند.<sup>۱۶</sup>

### پی‌نوشت‌ها

1. Mansourian@tmu.ac.ir
2. Dennis Meredith
3. Biochemistry and Science Writing
4. University of Wisconsin
5. Science Communicator/Science Journalist
6. MIT
7. Cornel
8. National Association of Science Writers
9. Science Writing and Science Journalism
10. World Federation of Science Journalists (<http://www.wfsj.org/>)
11. European Union of Science Journalists' Associations (<http://www.eusja.org/>)
12. The Council for the Advancement of Science Writing (<http://www.casw.org/>)
13. Association of British Science Writers (<http://www.absw.org.uk/>)
14. E-Newsletters, Wikis, Blogs, Podcasts, Social Networks, and Webinars
15. <http://www.explainingresearch.com/>

### مآخذ

1. Blum, D., Henig, R. and Knudson, M. (2005) A Field Guide for Science Writers: The Official Guide of the National Association of Science Writers, 2nd Ed. Oxford University Press.

**کتاب حاضر در  
 مجموع اثری مفید  
 همراه با توصیه‌های  
 کاربردی فراوانی است  
 که مطالعه آن برای  
 کسانی که در آغاز راه  
 نگارش هستند، بسیار  
 مفید خواهد بود**

**معرفی نویسنده**

بهداشت، پزشکی و محیط‌زیست که به‌طور مستقیم با سلامت جامعه ارتباط دارند این دقت و حساسیت به‌مراتب بیشتر است. از این رو لازم است در تدوین و انتشار آثار علمی دقتی مضاعف وجود داشته باشد و آنچه در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد درست، دقیق، صریح، مبتنی بر واقعیت و بدون ابهام باشد. توجه به این نکات هم از طرف نویسندگان و هم از سوی متولیان این نشریات ضروری است. خوشبختانه تا کنون آثار متعددی در زمینه «آئین نگارش علمی و تخصصی» منتشر شده که در آنها مهم‌ترین مبانی و اصول نگارش به‌شیوه علمی تشریح شده است. کتاب حاضر یکی از جدیدترین آثار در این زمینه است که در میان انواع منابع توجه ویژه‌ای به «مقالات پژوهشی» دارد و راهکارهای مفیدی برای محققان ارائه می‌دهد.

مؤلف این اثر دکتر «مایکل جی کتز»<sup>۱</sup> دانشیار دانشکده پزشکی دانشگاه «کیس وسترن ریزرو»<sup>۲</sup> امریکا است. کتز که متولد سال ۱۹۵۰ است اکنون در آستانه شصت سالگی آثار متعددی در دو حوزه پزشکی و آئین نگارش علمی دارد. حوزه اصلی تخصص وی در پزشکی آناتومی و بافت‌شناسی است که در آن زمینه صاحب آثار متعددی است. در کنار این تخصص وی به حوزه «نگارش علمی» علاقه‌مند بوده و از ۲۵ سال پیش تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی در این زمینه به‌رشته تحریر در آورده است؛ مثلاً در سال ۱۹۸۵ کتابی تحت عنوان «عناصر اصلی در مقاله علمی: راهنمای گام به گام برای دانشجویان و حرفه‌مندان» از وی منتشر شده که بعدها در منابع این حوزه بارها مورد استناد قرار گرفته است (کتز، ۱۹۸۵).

**معرفی کتاب**

ویرایش نخست این اثر در سال ۲۰۰۵ و ویرایش دوم آن در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است. ویرایش دوم به‌مراتب کامل‌تر، جامع‌تر و در مجموع خواندنی‌تر است که در اینجا معرفی می‌شود. کتاب حاضر شامل سه بخش اصلی و ۱۱ فصل است. بخش اول تحت عنوان «ابزارها و روش‌ها» پنج فصل نخست کتاب را در برمی‌گیرد که عبارتند از: استانداردهای مقاله‌های علمی و پژوهشی؛ واژگان علمی، جمله‌نویسی و پاراگراف‌بندی؛ اصول نگارش متون علمی؛ چگونگی ارائه داده‌های عددی؛ و تدوین تصاویر، شکل‌ها و نمودارها. در این پنج فصل نویسنده با نثری موجز و منسجم تصویر دقیقی از فرآیند نگارش را ترسیم می‌کند. پس از مطالعه این بخش خواننده با اصول معمول و مرسوم در نگارش علمی و پژوهشی آشنا شده است.

بخش دوم تحت عنوان «نگارش یک مقاله علمی و پژوهشی» خود شامل دو فصل است که در یکی نویسنده به اهمیت نگارش هم‌زمان با انجام پژوهش اشاره می‌کند و در دیگری ضمن معرفی اجزاء اصلی مقالات راهکارهایی در این زمینه در اختیار خواننده

قرار می‌دهد. کتز معتقد است که نباید تدوین مقاله را به زمانی پس از پایان تحقیق موکول کرد. بلکه پژوهشگران باید از ابتدای شروع پروژه با نوشتن تمام ایده‌ها و اندیشه‌های مرتبط به تحقیق خود و ثبت اطلاعات کتاب‌شناختی آثاری که مطالعه می‌کنند، گام‌های اولیه را برای تنظیم و تدوین مقاله بردارند. در غیر این صورت ممکن است زمان را از دست دهند و در انتشار آثار خود با تأخیر مواجه شوند.

بخش سوم از چهار فصل پایانی کتاب تشکیل شده و به‌فرآیند انتخاب مجله مناسب و آماده‌سازی متن برای ارسال به مجله اختصاص دارد. در فصل اول این بخش که در واقع هشتمین فصل کتاب است، نویسنده به ارائه مهم‌ترین معیارهای انتخاب مجله و چگونگی ارزیابی رتبه آنها می‌پردازد. در دو فصل بعدی تحت عناوین «بازنویسی نهایی» و «آماده‌سازی و ارسال مقاله» نکات مفیدی در خصوص ویرایش اثر قبل از ارسال به مجله ارائه شده است. سرانجام در فصل آخر چگونگی تعامل با سردبیران نشریه‌ها و پاسخگویی به نظرات داوران مطرح شده است.

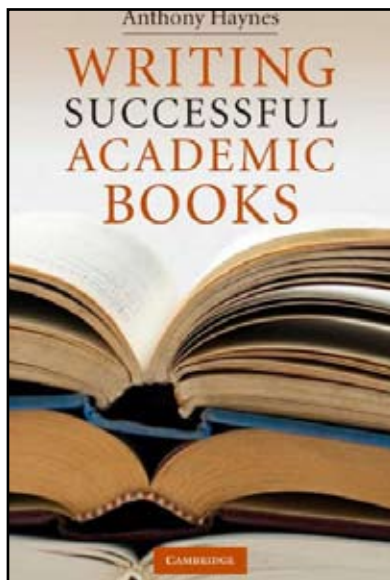
البته با پایان این فصل، کتاب به انتها نمی‌رسد و شش پیوست بسیار مفید در انتها ارائه شده است. این پیوست‌ها کاملاً جنبه کاربردی دارند و می‌توانند به‌عنوان ابزار مرجع فوری مورد استفاده نویسندگان قرار گیرند. مثلاً در یکی، فهرستی از واژگان متداول و مشابه همراه با تفاوت‌های معنایی ظریف آنها ارائه شده است؛ مثلاً تفاوت بین چهار واژه «طبیعی، نرمال، معمولی و استاندارد»<sup>۳</sup> که ممکن است مترادف تلقی شوند تشریح شده است. در این فهرست تأکید شده که در نگارش علمی هر واژه تعریف خاص خود را دارد و نویسندگان باید نسبت به تفاوت‌های معنایی کلمات کاملاً حساس باشند و در به‌کار بردن آنها دقت کنند. اساساً ساختار متون علمی از جهاتی با متون ادبی و داستانی متفاوت است و باید تا آنجا که ممکن است ساده، صریح، دقیق، روشن، و عاری از ابهام و ابهام نوشته شوند. در پیوستی دیگر فهرستی از بهترین معادل‌ها برای کلمات ترکیبی و دشوار ارائه شده است؛ مثلاً به‌جای ترکیبی طولانی مثل «حجم قابل توجهی از ...» می‌توان از واژه ساده‌تری مثل «بسیار» استفاده کرد، چرا که در نگارش علمی اصل بر ساده‌نویسی و پرهیز از کلمات و جملات طولانی است. براین اساس متن یک اثر هرچه ساده‌تر نوشته شود خواننده تمایل و رغبت بیشتری به مطالعه آن خواهد داشت. در پیوستی دیگر اصول استفاده از اختصارات در متن مقالات، همراه با فهرستی از معمول‌ترین اختصارات مورد نیاز نویسندگان ارائه شده است. سایر پیوست‌ها شامل نمونه‌هایی از شیوه‌های تدوین استنادها و اصول کتابنامه‌نویسی و همچنین فهرستی از آثار خواندنی درباره نگارش است.

**امتیازها و کاستی‌های کتاب**

کتاب حاضر چند امتیاز ویژه دارد. نخست آنکه نویسنده علاوه بر برخورداری از دانش کافی در انتشار آثار علمی سال‌ها در زمینه آموزش نگارش علمی تجربه دارد. به‌همین دلیل به‌راحتی می‌توان انعکاس این دانش و تجربه را در متن کتاب دید. امتیاز دیگر این اثر نظم منطقی و انسجام کافی میان مطالب آن است. به همین



## نگارش کتاب‌های دانشگاهی موفق



■ Haynes, Anthony, *Writing Successful Academic Books*. Cambridge University Press, 2010, xv, 175 p. ISBN: 978-0-521-51498-9.

دلیل این کتاب می‌تواند دست‌نامه کارآمدی برای کسانی باشد که می‌خواهند آئین نگارش علمی را به صورت خودآموز فراگیرند. امتیاز سوم متن سلیس و موجز آن است به نحوی که خواننده می‌تواند به راحتی موضوع را دنبال کند بدون آنکه با کمترین دشواری و ابهام مواجه شود. ویژگی مثبت دیگر آن وجود مثال‌های متعددی است که در بخش‌های مختلف کتاب و به‌ویژه در بخش دوم ارائه شده است. اغلب این مثال‌ها از یکی از مقالات خود نویسنده و بخش‌های ۲۵ مقاله دیگر است که فهرست آنها در مقدمه کتاب آمده است. به این ترتیب خواننده می‌تواند چگونگی به کارگیری اصول معرفی شده را در نمونه‌های واقعی ببیند.

در کنار امتیازهایی که ذکر شد، کاستی‌هایی نیز در این کتاب دیده می‌شود. یک از کاستی‌ها سوگیری شدید نویسنده به مثال‌های حوزه پزشکی است به طوری که تقریباً تمام مثال‌ها از حوزه پزشکی است. البته با توجه به رشته تخصصی نویسنده این موضوع قابل درک است و الزاماً نقیصه جدی برای کتاب محسوب نمی‌شود؛ اما با توجه به عنوان عمومی کتاب که هیچ اشاره‌ای به رشته پزشکی در آن نشده است، خواننده انتظار دارد در بیان نمونه‌ها و مثال‌ها نویسنده نیم‌نگاهی به حوزه‌های دیگر نیز داشته باشد. اگر در عنوان کتاب به اختصاص آن به حوزه پزشکی اشاره شده بود، محدودبودن مثال‌ها به این رشته موجه بود. کاستی دیگر آن بی‌توجهی نویسنده به آثار مشابه در زمینه نگارش علمی است، به نحوی که به جز چند استناد محدود هیچ نشانی از آثار مرتبط معروف در این زمینه دیده نمی‌شود. کتابی که خود درباره نگارش علمی است باید به این مسئله توجه ویژه‌ای داشته باشد که متأسفانه نویسنده از آن غفلت کرده است. همچنین نمایه انتهای کتاب تا حدودی کلی است و جزئیات لازم را دربر نمی‌گیرد. با این حال کتاب حاضر در مجموع اثری مفید همراه با توصیه‌های کاربردی فراوانی است که مطالعه آن برای کسانی که در آغاز راه نگارش هستند بسیار مفید خواهد بود. از این رو می‌توان مطالعه آن را به دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری توصیه کرد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Michael J. Katz
2. School of Medicine, Case Western Reserve University
3. Natural/Normal/Regular/Standard

### مآخذ

Katz, M. J. (1985) *Elements of the Scientific Paper: A Step-by-step Guide for Students and Professionals*. New Haven; London: Yale University Press.

### مقدمه

نوشتن یک مهارت است و یادگیری آن مثل هر مهارت دیگر نیاز به تمرین و ممارست دارد. اما تمرین وقتی موثر خواهد بود که مبتنی بر اصول و قواعد درست باشد. این اصول را می‌توان با مطالعه نمونه‌های موفق در رشته‌های مختلف آموخت و در آثار خود به کار بست. مرور منابع موجود در حوزه «اصول و مبانی نگارش علمی»<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که تا کنون آثار متعددی در این زمینه به زبان‌های مختلف نوشته شده است. البته در سال‌های اخیر تعداد و تنوع این آثار افزایش یافته و محققان نیز نگارش علمی را گونه (ژانر) مستقلی در تولید آثار نگارشی دانسته و به تبیین مبانی آن پرداخته‌اند؛ مثلاً پس از ۷۳ سال اصول ساده اما مهمی مثل «شفافیت در نگارش علمی» که ویلیام آگبرن (۱۹۴۷) در مقاله کوتاه خود در مجله «جامعه‌شناسی امریکا» به آنها اشاره

در کتاب گفته شود بهتر است؟» «چه کسانی مخاطب آن خواهند بود؟» «متن کتاب تا چه اندازه باید رسمی یا عامیانه باشد؟» «با توجه به ویژگی‌های خوانندگان تا چه حد امکان استفاده از واژگان تخصصی وجود دارد؟» «چه مفاهیمی باید توضیح داده شود و چه مطالبی را باید جزء دانسته‌های خوانندگان تلقی کرد؟» و مواردی از این قبیل. در ادامه هینز به انگیزه‌های نویسندگان از نگارش کتاب‌های دانشگاهی اشاره می‌کند و تأثیر هر یک را بر فرآیند نگارش تشریح می‌کند. وی معتقد است که این انگیزه‌ها می‌توانند در طیف وسیعی قرار گیرند که در یک سوی آن کسب درآمد و شهرت و در سوی دیگر خدمت صادقانه به پیشرفت و ترویج علم قرار دارد. در میان این طیف انگیزه‌های دیگری همچون تلاش برای ارتقاء مرتبه دانشگاهی و یادگیری دیده می‌شود؛ چرا که از یک سو تدوین و انتشار یک کتاب همراه با فرصت‌های یادگیری فراوان است و از سوی دیگر یکی از شروط اصلی ارتقاء مرتبه دانشگاهی اعضای هیئت علمی محسوب می‌شود. نویسنده با تکیه بر اهمیت توجه به فرصت‌های یادگیری در فرآیند نشر کتاب، معتقد است تمام مراحل نگارش و انتشار هر اثر پر از فرصت‌های یادگیری است؛ کسب آگاهی از روندها و رویه‌های حاکم بر صنعت چاپ، اهمیت تخصص‌های مختلف از جمله گرافیک بر موفقیت کتاب، نقش بازاریابی و توزیع موثر بر فروش کتاب و موارد دیگر همه می‌توانند تجربه‌های خوبی برای نویسندگان باشند. هینز بر اساس تجربه مدیریتی خود در صنعت نشر، کتاب‌های دانشگاهی را به چهار گونه (ژانر) اصلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: آثار مرجع دانشگاهی، تک نگاشت‌های علمی،<sup>۴</sup> منابع درسی (درسنامه‌ها)<sup>۵</sup> و کتاب‌های پر فروش ترویجی که توسط دانشگاهیان برای مخاطبان غیردانشگاهی نوشته می‌شوند. البته او در ادامه

کرده، همچنان مورد توافق کارشناسان این حوزه است. طی چند دهه گذشته آثار فراوانی در قالب کتاب و مقاله منتشر شده که در آنها نویسندگان آثار علمی تلاش کرده‌اند آئین نگارش علمی را به خوانندگان آموزش دهند. برخی از این آثار جنبه عمومی‌تر داشته (مثل پارکر و رایلی، ۱۹۹۵) و برخی به انواع خاصی از نوشته‌های علمی اشاره کرده‌اند؛ مثلاً، بولکر (۱۹۹۸) به اصول نگارش پایان‌نامه پرداخته، ژرمانو (۲۰۰۵) چگونگی تبدیل یک رساله دانشگاهی به یک کتاب را توضیح می‌دهد، دی و گاستل (۲۰۰۶) و گوستاوو (۲۰۰۸) به اصول مقاله‌نویسی توجه کرده‌اند و سرانجام نویسنده کتاب حاضر اثر خود را به فرآیند نگارش و انتشار کتاب‌های دانشگاهی اختصاص داده است.

#### معرفی نویسنده

نویسنده این اثر آنتونی رابرت هینز، فارغ‌التحصیل دانشگاه کمبریج انگلستان است. وی پس از سال‌ها تجربه مدیریت در چندین موسسه علمی و انتشاراتی، در حال حاضر به‌عنوان مدرس مدعو در دانشگاه‌های پکن و هیروشیما تدریس می‌کند. زمینه اصلی فعالیت دانشگاهی او سه حوزه «آئین نگارش علمی»، «نشر دانشگاهی» و «برنامه‌ریزی درسی و آموزشی» است. هینز آثار مشابهی در زمینه نگارش علمی در کارنامه خود دارد که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «نگارش کتاب‌های درسی موفق» و «یکصد ایده در آموزش نگارش» اشاره کرد که به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۷ منتشر شده‌اند (هینز، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۷). همچنین در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و مهارت‌های تدریس ایشان مولف کتاب‌هایی همچون «یکصد ایده در برنامه‌ریزی درسی» و «راهنمای کامل تدوین برنامه‌ریزی درسی» است (هینز، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰).

#### معرفی کتاب

آنتونی هینز در مقدمه کتاب به ابهام عمدی در واژه «موفقیت» در عنوان اثر اشاره می‌کند. به عقیده وی توانایی در نگارش یک اثر علمی و توفیق در انتشار آن به یک اندازه اهمیت دارند؛ چرا که فقط مهارت در نوشتن برای تولید این آثار کافی نیست و نویسنده باید قادر باشد نوشته خود را با موفقیت منتشر کند. در سرتاسر کتاب نویسنده کوشیده است با تأکید بر این دو وجه اصلی در فرآیند تولید منابع علمی راهکارهایی عملی در اختیار خوانندگان قرار دهد تا علاوه بر موفقیت در تدوین اثر خود آن را به بازار نشر نیز برسانند.

کتاب حاضر در سه بخش اصلی و ۱۱ فصل تنظیم شده است. این سه بخش عبارتند از: نویسنده شدن، نگارش متن و مدیریت پروژه نگارش.<sup>۳</sup> بخش نخست که خود شامل چهار فصل است به اصول و مبانی نگارش می‌پردازد. هینز در فصل اول تحت عنوان «مبانی نگارش» تلاش کرده به پرسش‌هایی اساسی که هر نویسنده قبل از انتشار کتابش باید به آنها توجه کند، پاسخ گوید. پرسش‌هایی نظیر: «اهمیت انتشار این کتاب چیست؟» «چه مطالبی





**هینز فرآیند نگارش را به پنج گام اصلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: شکل‌گیری تدریجی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی، تهیه پیش‌نویس اولیه، ویرایش پیش‌نویس، بازبینی و ارائه**

گروه پنجمی نیز معرفی می‌کند و آنها را «آثار تکمیلی»<sup>۶</sup> می‌نامد. آثار تکمیلی کتاب‌هایی هستند که در فهرست منابع خواندنی به دانشجویان معرفی می‌شوند اما کتاب درسی پایه و اصلی به‌شمار نمی‌آیند. حضور این آثار در مجموعه کتابخانه‌ها مفید خواهد بود اما نبودشان آسیبی به مجموعه نخواهد زد. آثار تکمیلی فروشی مقطعی و گذرا دارند و چندان مورد استقبال ناشران بزرگ و معروف قرار نمی‌گیرند.

در ادامه بخش نخست کتاب، نویسنده در فصل‌های دوم تا چهارم به ترتیب تحت عناوین «زمینه»، «حق تالیف» و «قرارداد با ناشران» توصیه‌های خود را درباره اصول نشر در حوزه کتاب‌های دانشگاهی ارائه می‌دهد. مطالعه این فصول نشان می‌دهد که نویسنده به‌خوبی توانسته تجربه کاری خود در حوزه نشر دانشگاهی را به‌رشته تحریر درآورد. او توجه نویسندگان را به اهمیت انتخاب ناشر مناسب برای آثارشان جلب کرده به آنان هشدار می‌دهد که در صورت غفلت از این موضوع ممکن است تمام زحماتی که در فرآیند نگارش کتاب خود متحمل شده‌اند بی‌نتیجه بماند. هینز به مقایسه مزایا و معایب همکاری با ناشران بزرگ و معروف در مقابل ناشران کوچک می‌پردازد. او معتقد است اگر نویسنده‌ای بتواند اثر خود را توسط یکی از ناشران معروف دانشگاهی مثل راتلج، تیلبور و فرانسیس، اینفورما یا الزویر<sup>۷</sup> منتشر کند می‌تواند نسبت به توزیع مناسب و فروش بهتر آن امیدوارتر باشد؛ ضمن آنکه در خلال فرآیند نشر می‌تواند از تخصص و مهارت بالای کارکنان مجرب این موسسات بهره‌مند شود. در مقابل به دلیل محبوبیت این ناشران و تقاضای فراوانی که برای انتشار آثار دارند ممکن است کسب موافقت آنان برای سرمایه‌گذاری در انتشار یک کتاب

کار ساده‌ای نباشد.

بخش دوم این کتاب تحت عنوان «نگارش متن» شامل چهار فصل است که عبارتند از «فرآیند نگارش ۱»، فرآیند نگارش ۲، تدوین و تنظیم متن و تبدیل پایان‌نامه به کتاب». هینز معتقد است که نگارش به‌همان اندازه که دلالت بر یک محصول دارد اشاره به فرآیندی است که طی آن اندیشه نویسنده متبلور می‌شود. هینز نگارش را یک فرآیند می‌داند و در صفحه ۵۹ کتاب به چهار نکته اساسی در این زمینه اشاره می‌کند؛ نخست آنکه هیچ نوشته‌ای تمام نمی‌شود مگر آنکه نویسنده چنین تصمیمی بگیرد، دوم، تا زمانی که نوشته‌ای به پایان نرسیده امکان ویرایش آن وجود دارد، سوم، نارسایی ویرایش اولیه یک نوشته اهمیت چندانی ندارد زیرا همواره می‌توان راهی برای بهبود آن یافت و چهارم، از آنجا که نسخه اول هر نوشته تنها نقطه شروع است نباید چندان نگران کیفیت آن بود. در واقع هینز با طرح این نکات نگرش خود را به فرآیند نگارش نشان می‌دهد و به خواننده اطمینان می‌دهد که هر اثر نوشتاری در واقع محصولی است که طی یک فرآیند





کنند و گام‌های پنجگانه فوق را یکی پس از دیگری بردارند. در پایان بخش دوم کتاب، هینز نکاتی در خصوص چگونگی تبدیل پایان‌نامه دکتری به کتاب مطرح می‌کند و به دانش‌آموختگان این دوره توصیه می‌کند رساله خود را به کتاب تبدیل کنند چرا که به این ترتیب طیف وسیع‌تری از خوانندگان می‌توانند از نتایج تحقیقات دوره دکتری ایشان آگاه شوند.

بخش سوم و پایانی کتاب تحت عنوان «مدیریت پروژه نگارش» کوتاه‌تر از دو بخش قبلی و شامل دو فصل تحت عناوین «زمان» و «افراد» است. در این دو فصل نویسنده کتاب بر اهمیت مدیریت زمان و چگونگی تعامل موثر با افرادی که در فرآیند نگارش و انتشار یک اثر نقش دارند تأکید می‌کند. استفاده از فرصت‌های کوتاه نوشتن، اختصاص ساعات مشخصی از روز و هفته به نگارش از جمله توصیه‌هایی است که برای مدیریت زمان در کتاب مطرح شده است. بر اساس آنچه در فصل دهم کتاب آمده مهم‌ترین افرادی که مولف کتاب باید با آنها ارتباط کاری موثر برقرار سازد عبارتند از: نویسندگان همکار، ویراستار علمی و ادبی، ناشر، داوران علمی، طراح جلد و منتقدانی که بعد از انتشار کتاب به نقد و بررسی آن خواهند پرداخت.

سرانجام کتاب حاضر با فصل یازدهم که به عنوان سخن پایانی نویسنده پس از بخش سوم قرار گرفته به پایان می‌رسد. در این فصل هینز نویسندگان را به استمرار کار نگارش پس از انتشار کتاب خود تشویق می‌کند. وی معتقد است اگر نگارش را فرآیندی مستمر بدانیم انتشار یک کتاب به معنای پایان کار نیست و نویسنده باید پس از آن به فکر تدوین ویرایش‌های بعدی آن باشد. بسته

**از کاستی‌های این اثر می‌توان  
به فهرست مندرجات کتاب  
اشاره کرد که بر خلاف متن  
کتاب، مبهم و کلی است**

چند مرحله‌ای تولید می‌شود و در آن امکان اصلاح و ویرایش آن وجود دارد. بنابراین نباید کیفیت پایین پیش‌نویس اولیه، نویسنده را از ادامه حرکت در مسیر تولید محصول نهایی باز دارد.

در ادامه هینز فرآیند نگارش را به پنج گام اصلی تقسیم می‌کند که عبارتند از: شکل‌گیری تدریجی، برنامه‌ریزی و آماده‌سازی، تهیه پیش‌نویس اولیه، ویرایش پیش‌نویس، بازبینی و ارائه<sup>۸</sup>. هینز معتقد است که توجه به هر یک از این مراحل در موفقیت نویسنده تأثیر به‌سزایی دارد و زمان لازم برای گذشتن از هر مرحله بسته به نوع نوشته و ویژگی‌های نویسنده متفاوت است؛ مثلاً، ممکن است نویسنده‌ای قبل از انتشار کتاب خود ماه‌ها یا حتی سال‌ها وقت صرف مرحله نخست کند و این زمان را نباید تلف‌شده تلقی کرد زیرا گاه سال‌ها اندیشه اثری تولید می‌کند که به‌تنهایی تأثیری به مراتب عمیق‌تر از ده‌ها اثر مشابه از خود برجای می‌گذارد. نکته مهم این است که نویسندگان باید اندیشه‌های پراکنده خود را به شکل‌های مختلف بر هدف اصلی کتابی که در دست تدوین دارند متمرکز

**در مجموع به اعتبار اینکه کتاب حاضر بیش از هر چیز مبتنی بر تجربه نویسنده در فرآیند انتشار کتاب‌های علمی است و با نثری روان و سلیس نکات کلیدی متعددی را در این زمینه مطرح کرده است می‌توان آن را در زمره آثار نسبتاً موفق در این حوزه برشمرد که مطالعه آن برای نویسندگان جوان مفید و آموزنده خواهد بود**

**پی‌نوشت‌ها**

1. Mansourian@tmu.ac.ir
2. Scientific Writing Basics and Principles
3. Becoming and Author, Writing the Text and Managing the Project
4. Scientific Monographs
5. Textbooks
6. Supplementary Texts
7. Routledge, Taylor and Francis, Informa, Elsevier
8. Incubation, Planning and Preparation, Drafting, Redrafting, Checking and Presentation

به نوع کتاب، ویرایش می‌تواند در سه سطح مختصر، استاندارد و اساسی رخ دهد؛ ویرایش مختصر شامل اصلاح غلط‌های تایپی، روزآمدسازی منابع و آمار و ارقام، طراحی مجدد جلد و افزودن مطالب تکمیلی است، ویرایش استاندارد علاوه بر موارد فوق شامل افزایش و کاهش بخش‌های کتاب و بازنویسی قسمت‌های مختلف است، در نهایت ویرایش اساسی ضمن آنکه موارد اصلاحی دو مرحله قبلی را دربرمی‌گیرد ممکن است همراه با تغییر ساختار کتاب و اعمال تغییرات اساسی در بخش‌هایی عمده باشد. در پیوست کتاب نمونه‌هایی از پیشنهاد (پروپوزال) برای تدوین کتاب و تنظیم قرارداد با ناشران ارائه شده است.

**امتیازها و کاستی‌های کتاب**

کتاب حاضر از چند جهت با نمونه‌های مشابه که تا کنون در زمینه اصول نگارش علمی منتشر شده‌اند تفاوت دارد زیرا بسیاری از آثار در این زمینه بیشتر بر فرآیند تدوین و نگارش اثر توجه دارند و کمتر به مسائل و نکات مربوط به فرآیند نشر می‌پردازند؛ اما همین به دلیل تجربه‌ای که در صنعت نشر دارد و سال‌ها مدیر چند موسسه انتشاراتی بوده است تأکیدی ویژه بر فرآیند نشر آثار پس از اتمام نگارش آنها دارد.

از امتیازهای دیگر این اثر می‌توان به نثر ساده و روان آن اشاره کرد که در آن اصول بنیادی نگارش همچون شفافیت، ایجاز و دقت به خوبی رعایت شده است. از کاستی‌های آن نیز می‌توان به فهرست مندرجات کتاب اشاره کرد که بر خلاف متن کتاب مبهم و کلی است. همان‌طور که عناوین فصل‌ها در بخش معرفی کتاب نشان می‌دهد این عناوین به هیچ‌وجه گویای محتوای فصول نیست و تنها با مطالعه هر فصل می‌توان به محتوای آن پی‌برد. از دیگر معایب کتاب باید به کمبود منابع مورد استناد در آن اشاره کرد. در زمینه نگارش علمی، آثار مفید و ارزشمند فراوانی منتشر شده که نویسنده به بسیاری از آنها توجه نداشته است.

در مجموع به اعتبار اینکه کتاب حاضر بیش از هر چیز مبتنی بر تجربه نویسنده در فرآیند انتشار کتاب‌های علمی است و با نثری روان و سلیس نکات کلیدی متعددی را در این زمینه مطرح کرده است می‌توان آن را در زمره آثار نسبتاً موفق در این حوزه برشمرد که مطالعه آن برای نویسندگان جوان مفید و آموزنده خواهد بود.

**مآخذ**

1. Bolker, J. (1998), Writing Your Dissertation in Fifteen Minutes a Day: A Guide to Starting, New York: Henry and Holt.
2. Day, R. A. , and Gastel, B. (2006), How to Write and Publish a Scientific Paper, 6th ed, Cambridge University Press.
3. Germano, W. P. (2005), From Dissertation to Book, University of Chicago Press.
4. Gustavii, B. (2008), How to Write and Illustrate a Scientific Paper, 2nd ed, Cambridge University Press.
5. Haynes, A. (2001), Writing Successful Textbooks, London: A&C Black.
6. Haynes, A. (2007 a), One Hundred Ideas for Lesson Planning, London: Continuum.
7. Haynes, A. (2007 b), One Hundred Ideas for Teaching Writing, London: Continuum.
8. Haynes, A. (2010), The Complete Guide to Lesson Planning and Preparation, New York: Continuum International Pub Group.
9. Ogburn, W. (1947), On scientific writing. The American Journal of Sociology, Vol. 52, No. 5, PP. 383-388.
10. Parker, F., & Riley, K. (1995), Writing for Academic Publication: A guide to Getting Started. Superior, WI: Parlay Press.